

بررسی رابطه میزان مذهبی بودن و سبک زندگی با ازخودبیگانگی نوجوانان مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز در سال ۹۱-۱۳۹۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۱۴

بیژن خواجه‌نوری*

صادق پناهی‌نسب**

صدیقه جهانبازیان***

چکیده

ازخودبیگانگی یکی از علائم بیماری روحی و روانی در بین انسان‌ها است که موجب می‌گردد تا آن‌ها نتوانند نقش‌هایشان را در ارتباط با خود و یا جامعه به‌خوبی انجام دهند. پژوهش حاضر به بررسی رابطه میزان مذهبی بودن و سبک زندگی نوجوانان با ازخودبیگانگی آن‌ها پرداخته است. نمونه مورد مطالعه ۳۸۱ دانش‌آموزان (دختر و پسر) دبیرستانی شهر شیراز می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش پیمایشی استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز با شیوه نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای به دست آمد. نتایج تحقیق نشان داد که متغیرهای مناسک مذهبی، هویت مذهبی، سبک زندگی و مشارکت فرهنگی رابطه منفی با ازخودبیگانگی نوجوانان دارد و بر روی هم توانسته‌اند نزدیک به ۲۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. بیشترین همبستگی بین دو متغیر انجام مناسک مذهبی و هویت مذهبی با متغیر ازخودبیگانگی می‌باشد. مهم‌ترین متغیری که بیشترین تغییرات ازخودبیگانگی جوانان را تبیین می‌کند مناسک مذهبی است. این متغیر به‌تنهایی نزدیک به ۱۹ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. دومین متغیر وارد شده در مدل، متغیر هویت مذهبی می‌باشد که ۲/۷ درصد تغییرات ازخودبیگانگی نوجوانان را توضیح می‌دهد. سبک مشارکت فرهنگی سومین و آخرین متغیر وارد شده در مدل است که با دو متغیر پیشین بر روی هم توانسته‌اند نزدیک به ۲۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

واژگان کلیدی

ازخودبیگانگی، سبک زندگی، مذهبی بودن، نوجوانان، مشارکت فرهنگی

* Bkhaje@rose.shirazu.ac.ir

** sadeghpanahi12@gmail.com

*** jahanbazian@gmail.com

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

*** دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز

مقدمه

اعتقادات مذهبی و انجام مناسک مختلف آن از دیرباز نقش مهمی را در زندگی مردم در جوامع مختلف بازی کرده است. در دهه‌های اخیر علاقه به کنکاش در خصوص رابطه متقابل بین مذهب و بهداشت در حوزه‌های مطالعات جامعه‌شناسی و روان‌شناختی بهداشت و دین رو به گسترش بوده است. مذهب یک سازه چندوجهی دارد که به مشارکت در باورها و فعالیت نهادمند یک گروه خاص باورمند اشاره دارد (آسیماکوپولوس و همکاران^۱، ۲۰۰۹). مطالعات مختلف در جوامع گوناگون نشان داده‌اند که در شرایط محیطی و یا روحی و مانند آن، انسان‌ها به ارزش‌ها و اعتقادات خود بیشتر متمسک می‌شوند (الیزابت و همکاران^۲، ۲۰۰۸؛ استفانک و همکاران^۳، ۲۰۰۵؛ گوتام و همکاران^۴، ۲۰۰۷؛ میرز و همکاران^۵، ۱۹۹۸).

آنچه که از مطالعات مختلف مرتبط با مذهب و سلامت برمی‌آید، الگویی کلی است که بیان می‌کند مشارکت در فعالیت‌ها و مناسک مذهبی عامل محافظ کلی است که سلامت را ارتقاء می‌دهد (آسیماکوپولوس و همکاران، ۲۰۰۹). برای نمونه برخی مطالعات نشان داده‌اند که مذهب هم به بهبود شرایط جسمانی و هم وضعیت روحی و روانی و مقابله با بیماری‌های هر یک از این دو بُعد و مقابله با عوارض آن‌ها در میان افراد کمک می‌کند (اله بخشیان و همکاران، ۱۳۸۹؛ اندرزج باسین سکی و همکاران^۶، ۲۰۱۱؛ آدگوبالا^۷، ۲۰۰۶؛ چيو و همکاران^۸، ۲۰۰۴؛ نوسا سیکا دا روچال و فلک^۹، ۲۰۱۰). مطالعات از این دست نشان داده‌اند که مذهب در جهت کاهش مشکلات روحی و جسمانی و بهبود زندگی افراد، شیوه‌های مقابله‌ای مؤثر ارائه می‌دهد؛ بنابراین کسانی که متعهد به باورها و فعالیت‌های مذهبی هستند، دارای هویت مذهبی می‌شوند که در وضعیت‌های مختلف راهکارهایی خواهند داشت که بر مشکلات فائق آیند.

هویت‌دینی را می‌توان به رابطه انسان با دین و نسبتی که با آن پیدا می‌کند، تعریف نمود. سنگ بنای هویت دینی پایبندی و تعهد است (رفعت‌جاه و شکوری، ۱۳۸۷). در نتیجه می‌توان گفت هویت دینی در یک جامعه از یک سو شامل پایبندی افراد به جوهر دین و ارزش‌های دینی و از سوی دیگر، بیانگر وابستگی جمعی و عمومی افراد یک جامعه به شعائر، مناسک و نهادهای دینی است. همچنین دارای بُعد

عملی نیز است که همانا به مشارکت و تمایل عملی انسان‌ها در آیین‌ها و مراسم مذهبی برمی‌گردد (اختر شهر، ۱۳۸۶).

در بسیاری از مطالعات، ارزش‌ها و اعتقادات در قالب مذهب شامل دو بُعد، نهادی (رفتن به اماکن مذهبی و انجام مراسم مذهبی به صورت دسته‌جمعی و ارتباط با دیگر افراد مذهبی) و بُعد شخصی یا فردی (خواندن کتب دینی، التزام مذهبی، اعتقادات مذهبی) می‌گردد که در واقع سازوکارهایی را برای ایجاد حمایت اجتماعی و خودباوری در افراد شکل می‌دهند (هولت و همکاران^۱، ۲۰۰۵؛ نونی^{۱۱}، ۲۰۰۲؛ کوهن و مکی^{۱۲}، ۱۹۸۴).

بیان مسئله

امروزه به دلیل فرایند جهانی شدن ما شاهد آگاهی روزافزون نسبت به این فرایند و تغییر در هویت افراد هستیم. کاهش اهمیت مکان و زمان در روابط اجتماعی و فضا ماندن شدن مناسبات اجتماعی، عمدتاً امکان‌کنش و برقراری ارتباط در سطحی فراتر از مکان و جغرافیای خاص را فراهم ساخته است. اگر هویت را مجموعه‌ای از همسانی‌ها و تمایزاتی بدانیم که به هر شخص ویژگی منحصر به فردی می‌دهد، باید بپذیریم که در چنین شرایطی با چالش جدی روبه‌رو شده است. چنین امری عمدتاً به دلیل نقش تعیین‌کننده زمان و مکان در امر هویت‌سازی و تداوم آن، و همچنین رشد فرایند بازانديشي در جامعه معاصر می‌باشد، که در جریان جهانی شدن ارتباطات در معرض دگرگونی قرار گرفته است (کاستلز، ۱۳۸۳: ۳۸۳).

آنچه که در این میان در امر هویت‌یابی اشخاص و در بازتولید آن تأثیر مهمی داشته و مرتبط با فرایند جهانی شدن است، سبک‌های زندگی است که در دوران جدید از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۱۹-۱۲۲؛ خواجه‌نوری و همکاران، ۲۰۱۳؛ خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۲؛ خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۰). به باور گیدنز سبک زندگی مجموعه‌ای کم‌وبیش جامع از عملکردهاست که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد چون نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران مجسم می‌سازد

(گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۰). از آنجاکه فرایند جهانی شدن از رسانه‌ها جدا نیست و عملکرد این رسانه‌ها در جهت همانندسازی و یکی شدن فرهنگ‌هاست، لذا این روند موجب تحت تأثیر قرار گرفتن تمایزات هویتی و از جمله هویت مذهبی و دگرگونی آن می‌گردد (سالزمن^{۱۳}، ۲۰۰۸)؛ بنابراین در دنیای جدید این احتمال می‌رود که به دلیل تحولات جهانی، باورمندان به مذهب دچار اختلالاتی گردند که در نتیجه آن نتوانند با تمسک به مذهب در جهت حل مشکلات خود برآیند. نتیجه تغییرات سریع در حیات اجتماعی موجب سرگشتگی، عدم درک صحیح از وقایع، ناتوانی در حل مشکلات شخصی و جامعه، احساس منزوی بودن و مانند آن می‌گردد که خود مشکلات روحی و روانی است که می‌توان آن‌ها را تحت یک مفهوم کلی یعنی از خود بیگانگی بیان کرد.

یکی از گروه‌هایی که در جهت هویت‌یابی و بازتولید آن به جد تلاش می‌کنند، نوجوانان می‌باشند. به باور بسیاری از روانشناسان و جامعه‌شناسان دوره نوجوانی دوره هویت‌یابی است همچنین در این دوره هنوز بسیاری از ارزش‌ها و باورهای اجتماعی از جمله باورهای مذهبی به‌طور کامل نهادینه نشده است. از سوی دیگر در عصر حاضر به دلیل استفاده فراوان این گروه سنی از رسانه‌های نوین، آن‌ها بیش از سایر گروه‌های سنی دیگر تحت تأثیر فرهنگ‌های غیربومی قرار دارند. این امر نیز در تزلزل در باورهای دینی و ملی آن‌ها مؤثر است.

ایران کشوری است که بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت آن را جوانان تشکیل داده‌اند. وجود سبک‌های مختلف زندگی در میان آن‌ها (خواججه‌نوری و همکاران، ۲۰۱۳، خواججه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۲؛ خواججه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۰) موجب رشد هویت‌های مختلف در بین آن‌ها گردیده است. این هویت‌ها بعضاً به دلیل مدرن بودن مغایرت جدی با هویت مذهبی و ملی جامعه ایرانی دارد (خواججه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۲). نتیجه این امر می‌تواند به ضعف کارکردی نهاد دین و رشد سبک‌هایی از زندگی در میان آن‌ها بیانجامد و موجب مشکلات روحی و روانی در بین آن‌ها و از جمله احساس از خود بیگانگی گردد. یافته‌های ابراهیمی در خصوص بیگانگی جوانان در شهر شیراز، نشان‌دهنده رابطه معنی‌دار بین بیگانگی جوانان و تمایل به مطالعه، گرایش به ورزش، تمایل به رادیو و تلویزیون بوده است (ابراهیمی، ۱۳۶۹). از آنجاکه

این عوامل بخشی از سبک‌های فراغتی هستند و سبک‌های فراغتی بخشی از سبک‌های زندگی می‌باشند، می‌توان این احتمال را داد که سبک‌های زندگی به‌طور کلی با بیگانگی می‌توانند رابطه داشته باشند. سؤال عمده این تحقیق این است که کدام‌یک از این دو عامل بیشتر تغییرات پدیده ازخودبیگانگی را در بین نوجوانان ایفاء می‌کنند. مطالعه ازخودبیگانگی در بین جوانان و تأثیرات مذهبی بودن و سبک‌های زندگی بر آن می‌تواند به برنامه‌ریزان جامعه فهم روشن‌تری از وضعیت موجود در جهت بهبود شرایط فردی و اجتماعی نوجوانان بدهد.

پیشینه تحقیق

به‌طور کلی، مرور بر پیشینه تحقیق یکی از ارکان مهم تحقیق است. با بررسی پیشین، می‌توان این امید را داشت که محقق در تحقیق خود از نقاط ضعف تحقیقات قبلی خودداری کرده و نقاط قوت این تحقیقات را در کار خود مدنظر قرار دهد.

کلانتری و همکاران (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر ازخودبیگانگی اجتماعی شهرنشینان شهر گیوی» انجام داده‌اند. حجم نمونه ۳۰۰ نفر انتخاب شد نتایج نشان داد که بین متغیرهای محل سکونت، سن، دین‌داری و رسانه‌ها و ازخودبیگانگی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. درحالی‌که بین خرافات اجتماعی، جنسیت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی و ازخودبیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

علی‌اکبری دهکردی و همکارانش (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با ازخودبیگانگی، افسردگی و اضطراب مرگ در دانشجویان پیام نور استان تهران» نشان دادند که بین میزان مذهبی بودن دانشجویان و ازخودبیگانگی آن‌ها رابطه معنی‌دار معکوسی وجود دارد.

علی‌اکبری دهکردی و همکاران (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با اضطراب مرگ و ازخودبیگانگی در سالمندان استان تهران» انجام داده‌اند. تعداد ۴۰۰ نفر از سالمندان زن و مرد به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. نتایج نشان داد که بین جهت‌گیری مذهبی درونی با اضطراب مرگ همبستگی

منفی و بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با اضطراب مرگ همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین در زنان و مردان جهت‌گیری مذهبی درونی به‌صورت منفی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی به‌صورت مثبت اضطراب مرگ را پیش‌بینی نموده است. همچنین، نتایج حاکی از این است که در سالمندان زن و مرد بین جهت‌گیری مذهبی درونی با ازخودبیگانگی همبستگی منفی معنادار وجود دارد و بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با ازخودبیگانگی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.

دائمی و جان بزرگی (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان «سبک والدینی و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران بر حرمت خود کودک» انجام داده‌اند. یک نمونه ۱۲۶۰ نفری از مادران و کودکان انتخاب شدند و نتایج رگرسیون نیز حاکی از نقش قوی سبک والدینی سخت‌گیرانه در میان دیگر سبک‌های والدینی مادر است. در خانواده تهرانی حرمت خود کودکان تا حد زیادی می‌تواند تحت تأثیر سبک‌های والدینی و روان‌بنه‌های مادران باشند و فرهنگ‌سازی سبک والدینی مقتدرانه از اهمیت زیادی برای بهینه بودن سطح حرمت خود کودکان برخوردار است.

کریمی و ذاکری (۱۳۹۰)، با استفاده از روش اسنادی به بررسی مؤلفه‌های ازخودبیگانگی در داستان‌های کودک و نوجوان پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که در این داستان‌ها مؤلفه‌های ازخودبیگانگی: گذار از روح فردی به جمع‌گرایی افراطی و گذار از روح جمعی به فردگرایی افراطی وجود دارد.

زینالی و همکاران (۱۳۸۹) تحقیقی با عنوان «رابطه سبک‌های والدینی با استعداد اعتیاد در فرزندان» انجام داده‌اند. شرکت‌کنندگان در پژوهش ۳۰۴ نفر از دانشجویان دختر و پسر مجرد دانشگاه آزاد اسلامی خوی بود که دامنه‌ی سنی بین ۱۹ تا ۲۶ سال داشتند. نتایج نشان داد سبک والدینی مستبد پدر و مادر رابطه مثبت و معناداری با استعداد اعتیاد فرزندان دارد و پیش‌بینی‌کننده مستقیم و معنادار آن است. سبک والدینی بی‌اعتنای پدر و مادر رابطه مثبت و معناداری با استعداد اعتیاد فرزندان دارد. سبک والدینی آزاد گذار پدر و مادر رابطه معناداری با استعداد اعتیاد فرزندان ندارد. سبک والدینی مقتدر به‌عنوان کارآمدترین سبک از نظر کاهش استعداد اعتیاد و سبک‌های

والدینی بی‌اعتنا و مستبد را به‌عنوان سبک‌های ناکارآمد از نظر افزایش استعداد اعتیاد در فرزندان معرفی می‌نماید.

یانگ^{۱۴} (۲۰۱۱) نیز در تحقیق خود؛ تحت عنوان «تحقیق درباره دلایل ازخودبیگانگی ناشی از اینترنت و عمل متقابل» استدلال می‌کند که در عصر اطلاعات (قرن بیست‌ویک و دوران توسعه سریع علم و فناوری) مردم مشغول خلق و استفاده از اینترنت هستند درحالی‌که به وسیله اینترنت اسیر شده‌اند. در این مقاله نظری استدلال شده است که در عصر حاضر پدیده ازخودبیگانگی شبکه اطلاعاتی اینترنت رخ داده است.

تاكوين و کوک-کوتون^{۱۵} (۲۰۰۸) در مطالعه خود نشان دادند که رابطه معنی‌دار منفی و نسبتاً متوسطی بین خودپنداره جوانان و ازخودبیگانگی آن‌ها وجود دارد. بانو^{۱۶} و همکاران (۲۰۰۶) در مطالعه خود نشان داده شد که نظام اجتماعی نمی‌تواند به‌عنوان عامل اصلی ازخودبیگانگی اجتماعی باشد، بلکه عوامل دیگری از قبیل عوامل موقعیتی، سازمانی و عوامل شخصی از جمله عدم اعتقادات مذهبی و جهت‌گیری‌های غلط در دین می‌تواند به وجود آورنده آن باشد.

چارچوب نظری تحقیق

مراسم و مناسک دینی موضوعی اساسی در ادیان می‌باشد و نقش آن در همبستگی اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی از آغاز نضج گرفتن جامعه‌شناسی مدنظر بوده است (پیرس و هاینی^{۱۷}، ۲۰۰۴). برای مثال دورکیم بر آن بود که هر چه اعتقاد مذهبی یک گروه قوی‌تر باشد، بی‌هنجاری کمتری از آن گروه دیده می‌شود (کوزر، ۱۳۶۸: ۱۸۹-۱۹۰). دلیل این امر آن است که مذهب محدودیت‌هایی برای خواسته‌های بی‌حد افراد ایجاد کرده و در نتیجه موجب یکپارچگی جامعه و تقویت آن و پیوند بین فرد و جامعه می‌گردد (کوزر، ۱۳۶۸: ۱۹۰؛ پیرس و هاینی^{۱۸}، ۲۰۰۴).

اعتقادات دینی و انجام آیین‌ها، شعائر، مناسک و تکالیف دینی تعیین‌کننده حیاتی ساختار روابط فردی، اجتماعی و روان‌شناختی انسان‌ها (زیبرت^{۱۹}، ۲۰۰۱) و قدرتمندترین محرک‌های رفتار اجتماعی در زندگی روزمره بسیاری از مردم و حمایتی

برای تلاش‌های زندگی آن‌ها است (یونگ، ۲۰۰۹؛ تورگلر^{۲۱}، ۲۰۰۶؛ یونگ، ۱۹۹۲). فهم فرد از الوهیت و ارتباط وی با خدا، دفاع و پوششی است که از طریق آن روابط انسانی شکل می‌گیرد و کنش‌های متقابل افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (جونز^{۲۲}، ۱۹۹۱).

از نظر آدلر اگر افراد به کمال برسند، در واقع با خداوند یکی شده‌اند و با همانند شدن آنان به خداوند، نقایص و احساسات حقارت آن‌ها نیز جبران می‌گردد. به باور وی مفهوم خداوند بیشتر به‌عنوان یک عامل برانگیزاننده مردم برای عمل است و این اعمال پیامدهای واقعی برای آنان و دیگران دارد. از نظر او ما می‌توانیم این‌طور فرض کنیم که در مرکز جهان قرار داریم و به‌صورت فعال برای دستیابی به علائق اجتماعی خود، کار کنیم. اگر تصور کنیم که از قدرت بالایی برخورداریم، به شیوه‌ای عمل می‌کنیم که برای جهان اطرافمان سودمند است (یزدانی، ۱۳۸۳).

دین‌داری با ارزش‌های طرفدار اجتماع^{۲۳} پیوند دارد که این امر می‌تواند به کاهش بیگانگی فرد از خود و اجتماع کمک می‌کند. هر چه که مردم دین‌دار انگیزه‌هایی که رنگ اجتماعی دارند از خود نشان دهند (انگیزه‌هایی که نشان‌دهنده خوبی و دیگرخواهی هستند)، کمتر احساس بیگانگی خواهند کرد. به نظر جانگ و جانسون^{۲۴} تأثیرات مذهبی سرچشمه مهمی از منابع مقابله^{۲۵}، مهارت‌های مقابله‌ای^{۲۶} و حمایت اجتماعی را ارائه می‌دهد (جانگ و جانسون، ۲۰۰۱). بنابراین کسانی که مذهبی‌تر هستند، در مواجهه با فشارهای اجتماعی از مهارت‌های مقابله‌ای که مذهب به آن‌ها ارائه می‌دهد استفاده کرده و کمتر دچار احساس انزوای اجتماعی، بی‌قدرتی، بی‌معنایی و سایر مؤلفه‌های بیگانگی می‌گردند.

اما در دهه‌های اخیر تنها مذهب نیست که نقش تأثیرگذار بر هویت افراد داشته و آن‌ها را در مواجهه با مسائل مختلف آماده و حمایت می‌کند. فرایند مدرنیته و خلف آن جهانی شدن و مؤلفه‌های سازنده آن همچون رسانه‌های مدرن، بازانديشی و سبک‌های زندگی در شکل‌گیری هویت افراد نقش قاطعی بازی کرده و موجب تضعیف سنت در جوامع مختلف گردیده‌اند. تضاد با سنت، ذاتی مفهوم مدرنیته است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۶ و ۴۴). در سایه مدرنیته، در فرهنگ‌هایی که تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند، تصویب

عملکرد به خاطر سنتی بودن دیگر کارایی ندارد (همان، ص. ۴۶). به باور گیدنز مذهب یکی از منابع اقتدار سنتی است. در نتیجه تجربه، معنا و تفسیر زندگی براساس آن صورت می‌گیرد و به همین دلیل اکثر کنش‌های زندگی دارای دلایل دینی و مذهبی می‌باشند؛ اما در عصر حاضر، تجدد، مراجع زندگی بشری را متعدد کرده است. مراجعی که همه مدعی صلاحیت هستند و سنت که مهم‌ترین مرجع و مأخذی بوده که بشر به آن رجوع می‌کرده، اهمیت کلی خود را از دست داده و در عرض بقیه مراجع موجود در جهان مدرن واقع شده است. اشکال گوناگون اقتدار سنتی اینک فقط شکل‌هایی در میان دیگر اشکال اقتدار اجتماعی هستند. جهانی شدن، با ایجاد فرصت انتخاب‌های مختلف باعث می‌شود که نهادهای سنتی همچون دین در کنار نهادهای مدرن قرار گیرند.

نتایج تحقیقات نشان داده‌اند که ایران در جهت تغییرات مختلف متأثر از فرایند جهانی شدن قرار گرفته است (به کیش، ۱۳۸۱). در چنین شرایطی گروه‌های مختلف ایرانی با فرصت‌های فراوان برای گزینش شیوه‌های مختلف زندگی خود روبه‌رو گردیده‌اند. این شیوه‌های موجب تغییر در هویت آن‌ها شده است (خواجه‌نوری، ۱۳۸۵ الف و ب؛ ۱۳۸۶؛ گرگی، ۱۳۸۵؛ رحمت‌آبادی و آقابخشی، ۱۳۸۵). نتیجه این وضعیت آن است که برای گروه‌هایی که بیشتر تحت تأثیر جهانی شدن قرار گرفته‌اند (از جمله جوانان به دلیل استفاده بیشتر از فناوری‌های نوین) مذهب همچون گذشته جایگاه خود را ندرد و تنها منبع اقتدار به شمار نمی‌آید و لذا برای این گروه‌ها که بیشتر از سبک‌های نوین‌تر زندگی استفاده می‌کنند، مذهب جایگاه پیشین خود را نخواهد داشت (خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۲). بر این اساس، برای چنین گروه‌ها در مواجهه با مسائل زندگی، مذهب نمی‌تواند نقش حمایتی داشته باشد. آن‌ها نمی‌توانند از راه‌های مقابله‌ای که مذهب برای مواجهه با بحران‌های روحی و روانی ارائه می‌نماید، استفاده کنند. از سوی دیگر تحقیقاتی همچون تحقیق ابراهیمی (۱۳۶۹) نشان داده‌اند که برخی از عناصر سبک‌های زندگی با ازخودبیگانگی دارای رابطه می‌باشند. سیمن بر این باور است که ازخودبیگانگی دارای پنج بعد است: (۱) بی‌قدرتی، (۲) بی‌معنایی، (۳) بی‌هنجاری، (۴) جدایی از ارزش‌ها، (۵) خودبیزاری بنابراین بر اساس چارچوب نظری فوق فرضیه‌های زیر مطرح می‌گردد:

- ۱- بین میزان دین‌داری و ازخودبیگانگی جوانان رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۲- بین هویت مذهبی و ازخودبیگانگی جوانان رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۳- بین سبک زندگی و ازخودبیگانگی جوانان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش پیمایشی جهت جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات استفاده شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه خود گزارشی محقق ساخته بوده است. پرسش‌های پرسشنامه، حاوی ابعاد گوناگون رفتار عینی، نگرش‌های افراد و ویژگی‌های فردی پاسخگویان بود. جامعه آماری دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های نواحی چهارگانه شهر شیراز بوده است. حجم نمونه مطابق با روش نمونه‌گیری (لین^{۲۷}، ۱۹۷۸: ۴۴۶-۴۴۷) با ضریب پایایی ۰.۹۵، ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد (فرض بالاترین حد واریانس در جمعیت) برابر با ۳۸۱ نفر بود که در نهایت با بررسی و بازبینی پرسشنامه، تعداد ۳۷۷ پرسشنامه به دست آمد.

شیوه نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای بود. در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ کل دانش‌آموزان (دختر و پسر) شهر شیراز برابر با ۶۷۱۲۹ نفر بود در چهار ناحیه به تحصیل مشغول بوده‌اند (سازمان آموزش و پرورش فارس معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی منابع انسانی، گروه طرح و برنامه، ۱۳۹۱). بر اساس جمعیت هر ناحیه سهمی از نمونه به نواحی اختصاص یافت. سپس در هر ناحیه تعدادی از دبیرستان‌ها به‌طور تصادفی انتخاب و بر اساس جمعیت هر مدرسه نیز همچنان به نسبت پرسشنامه‌ها توزیع شدند.

جهت تعیین اعتبار طیف ازخودبیگانگی از اعتبارهای صوری و محتوی، استفاده شد. برای اعتبار صوری پرسشنامه به تعدادی از دانشجویان و جوانان مختلف ارائه شد. برای اعتبار محتوا پرسشنامه و محورهای آن به تعدادی از صاحب‌نظران و اساتید مرتبط با حوزه جوانان با تخصص جامعه‌شناسی و روانشناسی ارائه گردید. برای محاسبه پایایی گویه‌های پرسشنامه از فن آلفای کرونباخ استفاده شد. بدین صورت که پس از تأیید جمع‌آوری پرسشنامه نهایی، ضریب همسازی درونی گویه‌های مربوط به شاخص

طیف ازخودبیگانگی از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. پایایی گویه‌های ازخود بیگانگی برابر با ۰/۸۱ بوده است. همچنین برای بررسی ثبات درونی طیف ازخودبیگانگی از ضریب همبستگی استفاده شد.

تعریف متغیرها

در این تحقیق متغیر وابسته ازخودبیگانگی جوانان می‌باشد. از آنجا که بیگانگی مفهومی انتزاعی است لذا برای تعریف آن از شاخص‌های بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی و بیزاری از خویشتن استفاده شده است. تعریف مفهومی این شاخص‌ها به شرح زیر است:

- بی‌قدرتی: انتظاری که توسط فرد می‌رود و یا احتمالی است که وی می‌دهد که رفتار او نمی‌تواند نتایج مورد انتظارش را متحقق سازد.

- احساس بی‌معنایی: در این شکل از بیگانگی فرد در درک و عقیده خود دچار ابهام می‌شود. در این وضعیت فرد با عدم اطمینان نسبت به پدیده‌های زمان خود انتخاب و تصمیم‌گیری می‌کند. فرد نمی‌تواند با اطمینان نتایج عمل بر اساس عقیده خاصی را پیش‌بینی کند.

احساس انزوای اجتماعی: در این وضعیت فرد ارزیابی کمی نسبت به اهداف یا عقایدی که نوعاً در جامعه ارزیابی بالایی از آنها شده است، می‌نماید. به عبارت دیگر فرد تعلق و وابستگی نسبت به ارزش‌های مرسوم جامعه احساس نمی‌کند (مارتین و همکاران، ۱۹۷۴).

تفر از خویشتن: در این وضعیت فرد علیرغم میل و رغبت خود در هر موقعیتی به اعمالی دست می‌زند که جامعه از وی انتظار دارد؛ و لذا شخص پاداشی در خود عمل و کارش احساس نمی‌کند و پاداش نسبت به کار وی امری خارجی است. به‌منظور تعریف عملی این شاخص‌ها، در پرسشنامه ۲۲ گویه بر مبنای طیف لیکرت در نظر گرفته شده است.

این تحقیق عملاً دارای سه بُعد ناتوانی-بی‌معنایی، در مرحله بعدی از گویه‌های سازنده این سه مؤلفه بیگانگی پایایی گرفته شد. آلفای کرونباخ برای ۱۹ گویه، برابر با

$\square = 0/80$ بود. پس از این مرحله با بهترین گویه‌ها، متغیر کلی از خودبیگانگی ساخته شد. میانگین و انحراف معیار متغیر وابسته برابر بود با: $(M = 32/55, SD = 9/54)$.

سبک زندگی: در تعریف سبک زندگی با واژه فراگیری روبه‌رو هستیم. بورديو بر این باور است که، سبک زندگی شامل اعمال طبقه‌بندی‌شده و طبقه‌کننده فرد در عرصه‌هایی چون تقسیم ساعات شبانه‌روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه‌های معاشرت، آداب سخن گفتن، راه رفتن، نوع پوشش، نوع خوراک و... محسوب می‌شود (بورديو، ۱۹۸۴). در این تحقیق بر اساس شاخص‌هایی که در نظر گرفته شد و بر اساس تحلیل عاملی در جدول شماره ۲ ارائه گردیده است، ۵ سبک زندگی به ترتیب به دست آمده است: سبک زندگی نوین $(M = 18/104, SD = 11/55)$ ، سبک شبکه مجازی $(M = 5/73, SD = 7/82)$ ، سبک مشارکت فرهنگی $(M = 1/88, SD = 2/94)$ و سبک مصرف رسانه‌های داخلی $(M = 5/05, SD = 3/63)$ ، و نهایتاً سبک سنتی $(M = 3/81, SD = 3/58)$.

هویت مذهبی: هویت مذهبی یکی از عناصر هویت جمعی است و منظور از آن هویتی است که از منشأ دین کسب تعریف می‌کند و در واقع به تبع دین، خود را تعریف و مشخص می‌سازد (منصور نژاد، ۱۵:۱۳۸۵). در این تحقیق ۶ گویه برای سنجش متغیر هویت دینی در قالب طیف لیکرت تنظیم شد. پایایی گویه‌ها برابر با $\square = 0/76$ بود. همچنین میانگین و انحراف معیار طیف برابر با $M = 22/04$ و $SD = 4/67$.

یافته‌ها

برای بررسی این مسئله که آیا مؤلفه‌هایی که جهت ساختن کل طیف مطرح شده‌اند نشانه‌های عمومی یک موضوع می‌باشند (به عبارتی همگی یک مسئله هستند) و یا ابعاد مختلف یک مسئله (بیگانگی) را مطرح می‌سازند، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول شماره ۱ نشان داد که رابطه بین مؤلفه‌های بیگانگی با بیگانگی در سطح معنی‌داری ۹۹ درصد قابل قبول است. آماره‌های جدول نشان‌دهنده رابطه قوی بین مؤلفه‌ها با بیگانگی است و این خود بیانگر ثبات و هماهنگی درونی بین مؤلفه‌های از خودبیگانگی با کل طیف است. همچنین رابطه بین مؤلفه‌های از خودبیگانگی با

یکدیگر به نحوی است که نشان‌دهنده آن است که این مؤلفه‌ها از یکدیگر تا حدی مستقل هستند و به عبارت دیگر جنبه‌های مختلف یک پدیده را می‌سنجند.

جدول شماره ۱: ماتریس همبستگی بین مؤلفه‌های ازخودبیگانگی با ازخودبیگانگی

انزوا	تنفر از خویشتن	بی‌قدرتی ^۰ بی‌معنایی	بیگانگی کلی	
۶۳۰/۰ **	۸۴۳/۰ **	۷۶۳/۰ **	۱	بیگانگی کلی
۱۳۸/۰ **	۴۶۷/۰ **	۱		بی‌قدرتی ^۰ بی‌معنایی
۴۳۶/۰ **	۱			تنفر از خویشتن
۱				انزوا

** $p < 0.01$ * $p < 0.05$

پیش از بررسی فرضیه‌های تحقیق به بررسی اعتبار سازه پرسشنامه سبک زندگی پرداخته می‌شود. برای این مقصود از فن تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. محاسبه تحلیل مؤلفه‌های اصلی سؤالات سبک زندگی نشان داد که اندازه «مقیاس کفایت نمونه‌گیری کایزر - مایر - اولکین»^{۲۸} (KMO) برای سؤالات ۲۳ گانه سبک زندگی برابر با ۰/۸۶ است و نشان‌دهنده کفایت نمونه‌هاست. همچنین مشخصه آزمون کرویت بارتلت^{۲۹}، برابر با ۳۴۸۷/۳۱۲، و از لحاظ آماری معنادار است ($p=0.000$) که نشان می‌دهد تفکیک عامل‌ها بر اساس بارهای عاملی به‌درستی اجرا شده و بین عامل‌ها همپوشانی وجود ندارد. همچنین مشخص شد که در مجموع ۵ عامل قابل تفکیک است که بیش از ۵۵/۷ درصد از کواریانس سبک زندگی در ۵ عامل به ترتیب تبیین می‌شود.

جدول شماره ۲: آزمون بارتلت برای تفکیک ماتریس عامل

۰/۸۶	مقدار کایزرمایر-اولکین
۳۴۸۷/۳۱۲	بارتلت
۳۰۰	درجه آزادی
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری

جدول شماره ۳: واریانس کل سبک زندگی کاری بر اساس مقادیر ویژه

مقدار ویژه			عامل
واریانس	درصد واریانس	کل	
۲۷/۵۹	۲۷/۵۹	۶/۹۰	۱
۳۶/۹۵	۹/۳۶	۲/۳۴	۲
۴۳/۹۲	۶/۹۶	۱/۷۴	۳
۵۰/۶۰	۶/۶۸	۱/۶۷	۴
۵۵/۷۲	۵/۱۲	۱/۲۸	۵



جدول شماره ۴: نتایج تحلیل عاملی سبک‌های زندگی

ابعاد سبک زندگی	عامل‌های سبک زندگی					اجزای سبک زندگی
	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	
سبک زندگی نوین					۰/۷۷۷	پیامک (SMS)
					۰/۷۶۸	موبایل جهت مکالمه
					۰/۶۷۴	گشت‌وگذار در خیابان‌ها، بازارچه‌ها، پارک‌ها، ...
					۰/۶۴۳	تلویزیون‌های خارجی
					۰/۶۴۱	بلوتوس
					۰/۶۳۹	گوش دادن به موسیقی خارجی (جاز، رپ، راک، ...)
					۰/۵۶۹	MP3 player, CD, DVD ...
					۰/۳۷۳	ورزش (دویدن، والیبال، شنا، ...)
سبک شبکه مجازی				۰/۸۲۷	پست الکترونیکی (ایمیل)	
				۰/۸۱۱	اینترنت	
				۰/۷۹۹	وبگردی	
				۰/۷۸۲	فیس بوک یا تویتر	
				۰/۷۶۹	چت (اتاق گفتگو)	
سبک مشارکت فرهنگی			۰/۸۱۴		حضور در کلاس‌های هنری (موسیقی و تئاتر و...)	
			۰/۸۰۶		انجام فعالیت هنری مانند نقاشی، نوازندگی	
			۰/۵۱۷		حضور در کلاس‌های آموزش رایانه و نرم‌افزار	
مصرف رسانه‌های داخلی				۰/۷۸۶	روزنامه‌ها و مجلات داخلی	
				۰/۶۸۵	رادیو داخلی	
				۰/۵۳۵	کتاب‌های غیردرسی	
				۰/۴۵۰	تلویزیون داخلی	
سبک سنتی				۰/۷۶۶	شرکت در جلسه‌های مذهبی	
				۰/۷۲۸	گوش دادن به موسیقی سنتی ایرانی (شهرام ناظری، ...)	
				۰/۵۲۶	گوش دادن به موسیقی مجاز پاپ ایرانی (عبداللهی، عصار)	

با توجه به جدول شماره ۵، بیشترین همبستگی بین دو متغیر انجام مناسک مذهبی و هویت مذهبی با متغیر از خودبیبگانگی بوده است. جهت رابطه این دو متغیر با متغیر وابسته منفی و شدت رابطه نسبتاً متوسط بوده است. به عبارت دیگر هر چه نوجوانان در فعالیت‌های مذهبی بیشتر شرکت کنند و یا هویتشان را تحت تأثیر ارزش‌ها و باورهای دینی بازتعریف نمایند، کمتر دچار از خودبیبگانگی می‌شوند. سومین متغیر که با متغیر وابسته دارای رابطه معنی‌دار بوده است، سبک زندگی سنتی است که خود تحت تأثیر مذهب است اگرچه با آن یکی نمی‌باشد. جهت رابطه بین این متغیر و متغیر وابسته منفی بوده است.

جدول شماره ۵: رابطه همبستگی بین متغیرهای مستقل و از خودبیبگانگی نوجوانان

از خودبیبگانگی	متغیر وابسته متغیرهای مستقل	از خودبیبگانگی	متغیر وابسته سبک زندگی
۰/۰۱۷	سبک شبکه مجازی	۰/۰۳۴	سبک زندگی نوین
۰/۲۴۷**	مصرف رسانه‌های داخلی	-۰/۱۰۵	سبک مشارکت فرهنگی
-۰/۳۸۰**	هویت مذهبی	-۰/۲۲۶**	سبک زندگی سنتی
		-۰/۴۲۹**	انجام مناسک مذهبی

** $p < 0/01$; * $p < 0/05$

جدول شماره ۶ به بررسی تأثیر متغیرهای مستقل مورد مطالعه بر از خودبیبگانگی جوانان پرداخته است. با توجه به نتایج جدول مهم‌ترین متغیری که توانسته است بیشترین تغییرات از خودبیبگانگی جوانان را تبیین کند، مناسک مذهبی بوده است. این متغیر به تنهایی نزدیک به ۱۹ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح داده است. دومین متغیر وارد شده در مدل متغیر هویت مذهبی بوده است که ۲/۷ درصد تغییرات از خودبیبگانگی نوجوانان را توضیح داده است. سبک مشارکت فرهنگی سومین و آخرین متغیر وارد شده در مدل بوده است که با دو متغیر پیشین بر روی هم توانسته‌اند نزدیک به ۲۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. مقدار $F = 0/99$ در سطح بیش از ۹۹

درصد (Sig = ۰/۰۰۰) نشان‌دهنده مناسب بودن مدل رگرسیونی بوده است. معادل خط به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{هویت} = (-۰/۲۰۹) + (\text{مناسک مذهبی}) - ۰/۳۰۷ = \text{از خودبیگانگی نوجوانان} + e + (\text{سبک مشارکت فرهنگی}) (-۰/۱۱۶) + (\text{مذهبی})$$

جدول شماره ۶: متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس ازخودبیگانگی جوانان

مراحل ورود متغیرها	متغیر	R	R ^۲	مقدار F	Sig F	Beta	T	Sig. T
اول	مناسک مذهبی	۰/۴۳۴	۰/۱۸۹	۷۳/۲۳	۰/۰۰۰	-۰/۳۰۷	-۴/۹۵	۰/۰۰۰
دوم	هویت مذهبی	۰/۴۶۴	۰/۲۱۶	۴۳/۱۵	۰/۰۰۰	-۰/۲۰۹	-۳/۳۶	۰/۰۰۱
سوم	سبک مشارکت فرهنگی	۰/۴۷۹	۰/۲۲۹	۳۰/۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۱۱۶	-۲/۳۴	۰/۰۲۰

جمع‌بندی

یکی از گروه‌هایی که در جهت هویت‌یابی و یا بازتولید آن تلاش می‌کنند، نوجوانان می‌باشند. به باور بسیاری از روانشناسان و جامعه‌شناسان دوره نوجوانی و جوانی دوره هویت‌یابی است. در این دوره هنوز بسیاری از ارزش‌ها و باورهای اجتماعی از جمله باورهای مذهبی به‌طور کامل نهادینه نشده است. همچنین در دوران جدید به دلیل استفاده فراوان از رسانه‌های نوین، آن‌ها بیش از سایر گروه‌های سنی دیگر تحت تأثیر فرهنگ غیربومی قرار دارند. این امر می‌تواند به تزلزل در باورهای دینی آن‌ها بیانجامد. در این تحقیق پدیده بیگانگی مورد بررسی قرار گرفت. ازخودبیگانگی از مسائل روحی و روانی جدی است که می‌تواند تبعات اجتماعی غیرقابل انکاری برای فرد و جامعه داشته باشد. این پدیده در دهه‌های اخیر مورد بررسی قرار گرفته اما آنچه که

تازگی این تحقیق را آشکار می‌سازد، بررسی آن در پرتو میزان مذهبی بودن و سبک‌های زندگی است. برای این مطالعه جوانان دبیرستانی انتخاب گردیدند. پس از بررسی نظریه‌های موجود، چارچوب نظری مبتنی بر دین‌داری و سبک زندگی طراحی شد. برای بررسی رابطه این دو متغیر با ازخودبیگانگی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز، ۳۸۱ نفر از دانش‌آموزان از نواحی چهارگانه شیراز به شیوه نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله انتخاب شدند و به شیوه پیمایش و با ابزار پرسشنامه اطلاعات مورد نیاز را در مورد میزان مذهبی بودن، سبک زندگی و ازخودبیگانگی آن‌ها استخراج گردید.

یافته‌های تحقیق نشان داد که مناسک مذهبی، هویت مذهبی سبک مشارکت فرهنگی بر روی هم ۲۲/۹ درصد تغییرات متغیر وابسته تبیین کرده‌اند. به بیان دیگر، هرچه نوجوانان بیشتر به مناسک مذهبی بپردازند، ازخودبیگانگی آن‌ها کمتر می‌شود. این نتیجه با آراء دورکیم در باب اعتقاد مذهبی قوی‌تر و بی‌هنجاری کمتر همخوانی دارد (کوزر، ۱۳۶۸: ۱۸۹-۱۹۰). در مطالعه باثو و همکاران (۲۰۰۶) نشان داده شد که نظام اجتماعی نمی‌تواند به‌عنوان عامل اصلی ازخودبیگانگی اجتماعی باشد، بلکه عوامل دیگری از قبیل عوامل موقعیتی، سازمانی و عوامل شخصی از جمله عدم اعتقادات مذهبی و جهت‌گیری‌های غلط در دین می‌تواند به وجود آورنده آن باشد. با توجه به پژوهش‌های مختلف بالا می‌توان چنین استنباط کرد که مذهب و گرایشات مذهبی می‌تواند تأثیر بسزایی در ازخودبیگانگی افراد داشته باشد؛ چراکه ازخودبیگانگی باعث اضطراب افراد و جدا شدن از هویت شخصی می‌شود و احساس جدا شدن از زندگی اجتماعی را به دنبال دارد (میلز، ۱۹۵۶). همچنین یافته‌های این تحقیق در خصوص رابطه معنی‌دار منفی بین مذهب و ازخودبیگانگی با نتایج علی اکبری دهکردی و همکارانش (۱۳۹۰) مطابق داشته و آن را تأیید می‌کند. در مجموع این تحقیق نشان داد که مهم‌ترین عامل در کاهش ازخودبیگانگی جوانان پایبندی به هویت مذهبی آنان می‌باشد. می‌توان گفت جهت‌گیری مذهبی با احساس ازخودبیگانگی ارتباط معنی‌دار دارد؛ بنابراین در صورتی که بخواهیم از میزان احساس ازخودبیگانگی جوانان بکاهیم، لازم است به راه‌های مختلف سعی در ایجاد بازسازی هویت مذهبی در بین آن‌ها نماییم.

یادداشت‌ها

1. Assimakopoulos et al.
2. Elizabeth et al.
3. Stefanek.
4. Gautam et al.
5. Myers et al.
6. Andrzej Basin´ski. et al.
7. Adegbola.
8. Chio, et al.
9. Neusa Sica da Rocha1 & Fleck.
10. Holt, et al.
11. Nooney.
12. Cohen & Mackay.
13. Salzman.
14. Yang.
15. Tarquin & Cook-Cottone.
16. Bao.
17. Pearce & Haynie.
18. Pearce & Haynie.
19. Ziebert.
20. Yong.
21. Torgler.
22. Jones.
23. Prosocial.
24. Jang & Johnson.
25. Coping resources.
26. Coping skills.
27. Lin.
28. Kaiser Meyer Olkin measure of sampling adequacy.
29. Bartlett's test of sphericity.

کتابنامه

- ابراهیمی، ه. (۱۳۶۹). تبیین فرایند ازخودبیگانگی جوانان، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد شیراز، دانشگاه شیراز.
- اختر شهر، ع (۱۳۸۶). ابعاد هویت دینی ° اجتماعی دانشجو، دانشگاه آزاد اسلامی؛ ۱۱، ۳: ۹۶-۱۲۴.

- خواججه‌نوری، ب. (۱۳۸۵-الف). بررسی رابطه مؤلفه‌های جهانی شدن و مشارکت اجتماعی زنان، مطالعه موردی: تهران، شیراز و استهبان. رساله دکتری دانشگاه شیراز.
- خواججه‌نوری، ب. (۱۳۸۵-ب). بررسی تأثیر فرآیند جهانی شدن بر تقسیم کار خانگی، مورد مطالعه: زنان متأهل در شهرهای تهران، شیراز و استهبان، (۱۳۸۵). دانشگاه فردوسی مشهد، سال سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۱-۳.
- خواججه‌نوری، ب. (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در ایران، مطالعه موردی شهرهای تهران، شیراز و استهبان. مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال چهارم، شماره ۲، ۴۵-۷۱.
- خواججه‌نوری، ب.، ریاحی، ز. و ا. مساوات (۱۳۹۲). رابطه سبک زندگی و میزان دین‌داری جوانان، مورد مطالعه جوانان شهر شیراز، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی شوشتر، ۲۰: ۱۰۳-۱۳۰.
- خواججه‌نوری، ب.؛ روحانی، ع. و س. هاشمی (۱۳۹۰). سبک زندگی و مدیریت بدن، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۴، ۱: ۷۹-۱۰۳.
- خواججه‌نوری، ب.، روحانی، ع. و س. هاشمی (۱۳۸۹). سبک زندگی و هویت ملی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز)، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۱، ۴۴(۴): ۱۲۷-۱۵۲.
- دائمی، ف.، جان بزرگی، م (۱۳۹۰). تأثیر سبک والدینی و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران بر حرمت خود کودکان. مجله علوم رفتاری، سال ۵، شماره ۲، صص: ۱۷۲-۱۶۵.
- رحمت‌آبادی، ا. و آقابخشی، ح. (۱۳۸۵). سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۵(۲۰). ۲۳۵-۲۵۳.
- رفعت‌جاه، م.، ع. شکوری (۱۳۸۷). اینترنت و هویت اجتماعی، مجله جهانی رسانه؛ ۵: ۵۳-۶۹.
- زینالی، ع.، وحدت، ر.، قره‌دینگه، خ (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های والدینی با استعداد اعتیاد در فرزندان، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ۶، شماره ۲۳، صص: ۳۳۶-۳۵۲.
- سازمان آموزش و پرورش فارس معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی منابع انسانی، گروه طرح و برنامه، ۱۳۸۷.
- سیمن، ملوین (۱۳۷۸). «مفهوم ازخودبیگانگی». در کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد. نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی (فرهنگ ارشاد). چاپ اول، تهران: نشر نی.

علی اکبری دهکردی، م.، اورکی، م.، برقی ایرانی، ز. و ک. کیاراد (۱۳۹۰). بررسی رابطه جهت گیری مذهبی با ازخودبیگانگی، افسردگی و اضطراب مرگ در دانشجویان پیام نور استان تهران، معرفت در دانشگاه اسلامی، ۱۶۴: ۴۹-۱۸۰.

علی اکبری دهکردی، م.، اورکی، م.، برقی ایرانی، ز. (۱۳۹۰). بررسی رابطه جهت گیری مذهبی با اضطراب مرگ و ازخودبیگانگی در سالمندان استان تهران، پژوهش های روان شناسی اجتماعی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۵۹-۱۴۰.

کریمی، محمدحسن و مختار ذاکری (۱۳۹۰). «بررسی مؤلفه های ازخودبیگانگی در داستان های کودک و نوجوان»، مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، سال دوم، شماره دوم.

کلانتری، ع.، بشیری گیوی، ح.، غلامی شاهسوار لو، س (۱۳۹۱). بررسی جامعه شناختی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر ازخودبیگانگی اجتماعی شهرنشینان شهرگیوی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۴، شماره سوم، صص: ۶۳-۵۳.

کوزر، ل. (۱۳۶۸). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

گرگی، ع. (۱۳۸۵). اینترنت و هویت، فصلنامه مطالعات ملی، ۷(۱) ۵۳-۶۹.

گیدنز، آ. (۱۳۷۷). جامعه شناسی. (م. صبوری، مترجم). تهران: نشر نی. چاپ سوم.

گیدنز، آ. (۱۳۷۸). تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، چاپ اول.

منصورنژاد، م. (۱۳۸۵). هویت دینی و نهضت های چهارگانه در تاریخ معاصر ایران.

یزدانی، ف. (۱۳۸۳). «روان شناسی دین»، فصل نامه بصیرت، سال یازدهم، شماره ۳۲-۳۳، صص. ۱۸۱-۱۹۷.

Adegbola, M (2006). "Spirituality and Quality of Life in Chronic Illness", The Journal of Theory Construction & Testing, Vol. 10, No.2, pp.42-46.

Andrzej Basin´ski, A.; Stefaniak, T.; Stadnyk, M.; Sheikh, A & Ad J. J. M. Assimakopoulos, K.; Karaivazoglou1, K.; Ifanti, A.A.; Gerolyimos, M.K.; Kalofonos, H.P. & G. Iconomou (2009). Religiosity and its relation to quality of life in Christian Orthodox cancer patients undergoing chemotherapy, Psycho-Oncology, 18: 284° 289.

- Bao, Y; Zheng, K. Z and Zhou, N. (2006). Social alienation in a transition economy: Antecedents and impact on attitude toward social reform. *Journal of Business Research*. Article in press.
- Bourdieu, Pierre (1984). *Distinction: a social critique of the judgment of taste*, routledge.
- Chio, A.; Gauthier, A.; Montuschi, A.; Calvo, A.; Di Vito, N.; Ghiglione, P & R, Mutani (2004) "A Cross Sectional Study On Determinants Of Quality Of Life in ALS", *J Neurol Neurosurg Psychiatry*, Vol. 75, pp.1597-1601.
- Elizabeth, C.; Hair, E.; Moore, K.; Hadley, A. & K, Sidorowicz (2008) "Family Religiosity and Mental Health in Young Adults", *Child Trends*, Inc. from <http://site.heritage.org> [8/6/2011].
- Gautam, R.; Saito, T.; Kai, CH (2007). "Lesure And Religion Activity Participation And Mental Health: Gender Analysis Of Older Adults In Nepal", *BMC public health*, Vol.1:299.
- Jones, J.W. (1991), *Contemporary Psychoanalysis and Religion: Transperence and Transcendence*, New Haven. CT: Yale University Press.
- Khajehnoori, B.; Reyahi, Z & S. Keshavarzi (2013). Study of the Relationship between Religious Identity and Life Style with Mental Health, Case Study: Male and Female Teenagers of Shiraz, *Journal of American Science*, 9(7): 37-44.
- Mills. c.w. (1956). *the power elite*. Oxford university press ° New York.
- Myers, J. & M, Truluck (1988) "Health Beliefs, Religious Values, and The Counseling ??????????????????"
- Neusa Sica da Rocha1, N. & M, Fleck (2010). "Evaluation Of Quality Of Life An Importance Given To Spirituality, Religiousness, Personal Beliefs (SRPB) in Adults With And Without Chronic Health Conditions", *Post-Graduate Program in Medical Science: Psychiatry*, Vol.38, No.1, pp.19-23.
- Pearce, L.D. & Haynie, D.L. (2004). "Intergenerational Religious Dynamics and Adolescent Delinquency", *Social Forces*, Vol. 82, No.4, pp.1553-1572.

- Process: A Comparison of Counselors and Other Mental Health Professional", *Counseling and values*, Vol. 42, No.2, pp.106-123.
- Salzman, M (2008). Globalization, religious fundamentalism and the need for meaning, *International Journal of Intercultural Relations*, 32: 318-327.
- Smoking and Association with Quitting: A Comparison between Thai Buddhists and Malaysian Muslimsq", *Social Science & Medicine*, Vol. 69, pp. 1025° 1031.
- Stefanek M.; McDonald PG. & S.A. Hess (2005). Religion, spirituality and cancer: current status and methodological challenges. *Psycho-Oncology*; 14:450° 463.
- Tarquin, K. & C. Cook-Cottone (2008). Relationships among aspects of student alienation and self concept, *School Psychology Quarterly*, 23(1): 16-25.
- Torgler, B. (2006). "The Importance of Faith: Tax Morale and Religiosity", *Journal of Economic Behavior & Organization*, Vol. 61, pp. 81° 109.
- Vingerhoets (2011) "Influence of Religiosity on the Quality of Life and on PainIntensity in Chronic Pancreatitis Patients AfterNeurolytic Celiac Plexus Block: Case-Controlled Study", *J Relig Health*, _The Author(s) 2011. This article is published with open access at Springerlink.com
- Yang, L. (2011). Research on causes and countermeasures of internet information alienation, *Advances in computer science, intelligent system and environment advances in intelligent and soft computing*, Vol. 106, pp. 717-721.
- Yong, H.H.; Hamann, S.L.; Borland, R.; Fong, G.T. & Oma, M. (2009). "Adult Smokers Perception of the Role of Religion and Religious Leadership on
- Young, T.R. (1992), "Postmodern Understanding of The God Concept: Social Justice and the Drama of The Holy", in *The Holy of God, The Red Feather Institute for Advanced Studies in Sociology*, University Wyoming: [http://uwacadweb. Uwyo.edu](http://uwacadweb.Uwyo.edu).
- Ziebert, H.G. (2001), *The Human Image of God*, (eds), Hans-Zibert, Friedrich Schweitzer, Hermann Haring and Don Browing, Leiden, Boston, Koln, Brill, Press.